

سرمقاله:

ضرورت انتشار نشریه

اینک که خلق ما متحد و یک پارچه پس از نبرد خونین رژیم سلطنتی را واژگون کرده و در جهت نابودی کامل ارتجاع و سلطه امپریالیسم پیش می‌رود...

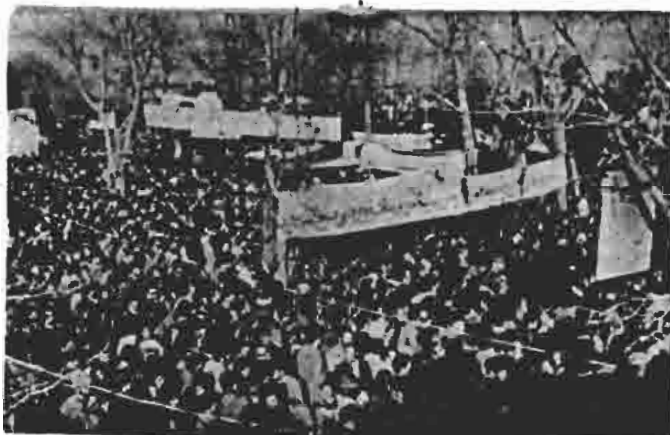
اینک که وظیفه همه نیروهای انقلابی است که دست‌آوردهای انقلاب را حفظ کنند و بکوشند تا آخرین بقایای ضد انقلاب را براندازند.

ما وظیفه خود میدانیم که با انتشار یک نشریه ویژه کارگری قدمی دیگر در جهت ارتقاء جنبش کارگری برداریم. کارگران مبارز ما که همیشه در مبارزه بر علیه امپریالیسم و دیکتاتوری نقش مهمی داشته‌اند، هنوز وظیفه سنگینی بردوش دارند و باید مبارزه را تا رسیدن به نتیجه نهایی دنبال کنند.

کارگران مبارز میهن ما بویژه کارگران صنعت نفت با شرکت در اعتصابات اقتصادی و سیاسی، با راهپیمایی‌ها و میتینگ‌ها، نقش مهمی در سرنگونی رژیم منغور و سرسپرده پهلوی ایفا نموده و سرانجام همراه با اقشار و طبقات دیگر خلق در قیام مسلحانه شرکت کردند، و جان باختند تا با خون خود نهال انقلاب را آبیاری کنند.

آیا کسی میتواند ادعا کند که سرنگونی رژیم شاه بدون شرکت کارگران در جنبش اخیر ممکن بود؟ مسلماً "خیر". زیرا هرکسی که این حقیقت را منکر شود یا چشمان خود را بر روی واقعیت بسته است و یا اینکه آدمی غرضورز است. بهر حال با وجود اینکه طبقه کارگر عملاً "در مبارزه نقش مهمی ایفا کرد، اما نتوانست آن نقش واقعی را که شایسته طبقه کارگر بود انجام دهد. علت آن را هم باید در نقاط ضعف جنبش کارگری ایران جستجو کرد. جنبش کارگری ما هنوز نقاط ضعف بسیاری دارد که از آن جمله میتوان به مسئله عدم تشکل و سطح نسبتاً پائین آگاهی کارگران اشاره کرد. بقیه در صفحه بعد

اجتماع پرشور مردم ایران بر مزار مصدق



آیت‌الله طالقانی:
تفرقه‌افکنی یکی از خصائص استبداد است.
نماینده چریک‌های فدائی خلق ایران:
رهبان حزب توده با تبعیت کورکورانه از سیاست احزاب دیگر کشورها و طرح شعارهای انحرافی، به وحدت نیروهای خلقی آسیب رسانیدند.
سازمان چریک‌های فدائی خلق لغو کلیه بدهیها و تعهدات مالی کارگران دهقانان، پیشه‌وران و کارمندان رابه بانکها و سایر موسسات دولتی خواستار است.
شرح در صفحه ۳

این صحنه‌ایست از اجتماع مردم ایران بر مزار دکتر محمد مصدق صدها هزار نفر از مردم مبارزی که بدعوت سازمان چریک‌های فدائی خلق، سازمان مجاهدین خلق و نمایندگان جبهه دمکراتیک ملی در احمدآباد گرد آمده و خاطره همبستگی‌ها و پایمردیها را زنده کردند و یاد دکتر مصدق رهبر جنبش ملی ایران را گرامی داشتند.

سندیکاها را بوجود آوریم اما فعالیت خود را به سندیکا محدود نکنیم

در نظام سرمایه‌داری که هنوز بر قسمت وسیعی از جهان و از جمله بر کشور ما حکمفرماست اگرچه کارگران بظاهر آزادند و مثل برده، زنجیری بدست و پا ندارند، و یا مثل رعیت قانوناً مجبور به زندگی و کار در محل آنها ثروت‌های افسانه‌ای بچنگ میزنند. معین و برای ارباب خاص نیستند. اما رشته‌های متعدد اقتصادی در سارت سرمایه زندگی میکنند. کارگران با نداشتن وسایل تولید چاره‌ای جز فروش نیروی کارشان ندارند. در نظام سرمایه‌داری همه چیز برای فروش در بازار تولید میشود، نه برای مصرف تولیدکنندگان.

کارگران تنها نیروی کارشان را دارند که در ردیف دیگر کالاها در بازار سرمایه‌داری بفروشند، در عین حال نیروی کار کالائی است غیر از سایر کالاها، برای سرمایه‌داران در حکم چراغ جادوست و همه چیز برای آنها تولید میکند ولی برای کارگر حاصل فروش کارش زندگی بخور و نمیر، تلاش سرمایه‌داران همیشه برای خریدن نیروی کار کارگر با ارزانترین قیمت است. این بقیه در صفحه ۸

آیا سیاست وزیر جدید کار ادامه سیاست وزیران گذشته نیست؟

چه کسی بکارگران پاسخ خواهد داد؟ کارگران مبارز ما اینک با انبوهی از مسائل و مشکلات روبرو هستند همان کارگران که در صفوف خلق ما در مبارزه بر علیه امپریالیسم و رژیم شاه خائن بها خاستند و در سرنگونی رژیم پهلوی و وارد آوردن ضرباتی به امپریالیسم سهم عمده‌ای داشته‌اند.

کارگران مبارز ما همه سختی‌ها را تحمل کرده‌اند، شهید داده‌اند، اخراج شده‌اند، مزد آنها پرداخت نشده است، کرایه خانه (بها عقب افتاده و قرض و بدهی آنها کاری است که کم آنها را خرد کرده است. اما اینک پس از واژگونی رژیم ضد خلقی پهلوی چه کسی باید به خواستهای سیاسی و اقتصادی آنها پاسخی قطعی و روشن بدهد؟ هنوز دولت موقت هیچگونه اقدامی در جهت برآورده ساختن خواستهای آنها نکرده است و کارگرانی که به وزیر کار متوسل شده‌اند هیچ جواب روشنی نگرفته‌اند. یک نمونه آن اجتماع روز شنبه ۵۷/۱۲/۱۲ حدود ۵۰۰ نفر از کارگران است که در وزارت کار اجتماع کردند و از وزیر کار خواستند که در جهت خواستهای آنها گامهای عملی برداشته شود.

بقیه در صفحه ۲

- در این شماره:
- سرمقاله
 - بزرگداشت مصدق
 - سندیکاها را بوجود آوریم اما فعالیت خود را به سندیکا محدود نکنیم
 - ضد انقلاب را افشا کنیم
 - سرلشکر قوه‌نیکیست و چه ما موریتی دارد؟
 - آیا سیاست وزیر کار همان سیاست وزیران گذشته است.
 - بزرگداشت شهدای صنعت چاپ
 - سخنان کارگران در اجتماع وزارت کار
 - خیرها و گزارشهای روستائی
 - کارگران خود سخن میگویند
 - شعر و ادبیات انقلابی
 - سانسور در مطبوعات محکوم است.
 - در کارخانه‌ها چه میگذرد؟
 - خبرهای کارگری

نابود باد حاکمیت امپریالیسم و نوکرانش برقرار باد حاکمیت خلق

بقیه سرمقاله...

طبقه کارگر که انقلابی ترین و مترقی ترین طبقه است، تنها نیروی است که می تواند در جهت منافع خلق، مبارزه را بدون عقبگرد، بدون سازش و با قاطعیت هرچه تمامتر پیش ببرد و خلق را تا پیروزی نهائی رهبری کند.

اینک ببینیم که هدف از انتشار این نشریه چیست و چه نقشی میتواند در جهت تشکل، آگاهی و مبارزات جنبش کارگری ایران داشته باشد؟

رفقای کارگر! هرچند که تا بحال خلق ما در مبارزات خود به پیروزیهای دست یافته و رژیم سلطنتی را سرنگون کرده است، اما هنوز خیلی چیزها دست نخورده باقی مانده است. ارتش ضد خلقی هنوز کاملاً از بین نرفته و سرمایه داران خارجی همچنان کنترل اقتصادی کشور را در دست دارند. کارفرما، همان کارفرمای قبلی است یعنی همان سرمایه دارانی که شریک سرمایه داران خارجی هستند. استثمار هنوز هم ادامه دارد. شوراها و کارگری و ارتش خلقی هنوز بوجود نیامده است. سندیکاهای فرمایشی و قوانین ضد کارگری تغییری نکرده و سیستم پلیسی همچنان بر کارخانهها حکمفرماست. و صدها نمونه دیگر. اما برای اینکه طبقه کارگر بتواند وظائف خود را انجام دهد و پیگیرانه خواستههای دموکراتیک خود را دنبال کند، باید درباره همه مسائل کشور، در باره سیاست و هر آنچه که برای این طبقه و طبقات دیگر میگذرد و خلاصه درباره همه مسائل آگاهی داشته باشد.

اگر کارگران نتوانند مسائل کشورمان را بشناسند، اگر نتوانند خود سری و اعمال زور را در همه جا، در کارخانه، در وزارت کار، در مجلس و غیره از جانب هرکس که باشد بشناسند و بر علیه آن اقدام کنند، مسلماً نمیتوانند نقش واقعی خود را ایفا نمایند.

کارگران باید از وقایع روز، از حوادثی که در اطرافشان میگذرد، از مسائل کارخانه، از خواستههای سایر اقشار خلق، از سیاست دولت و مسائل جهانی آگاه باشند. باید دانست فلان قانونی که بتصویب میرسد، به نفع چه کسی است؟ آیا به نفع زحمتکشان است یا به نفع سرمایه داران و مفتخورها؟ آیا دولت از کدام طبقه پشتیبانی و حمایت می کند و منافع کدام طبقه را در نظر دارد؟ طبقه کارگر باید بداند تا زمانی که مبارزه در چهارچوب چانه زدن برای افزایش مزد، حق مسکن، بیمه و غیره با سرمایه دار است وضع آنها تغییر اساسی نخواهد کرد. باید ریشه های مسئله را بررسی کرد که چرا اصولاً وضعی حاکم است که عده کمی، انبوه جمعیت را استثمار کنند، مفت بخورند و بخوابند و دیگران برای آنها کار کنند. و چگونه میتوان بطور کامل سرمایه داری وابسته را در ایران از بین برد. یعنی در جایی که سرمایه داران بطور عمده وابسته به سرمایه داران جهانی هستند، با آنها زدو بند دارند و مشترکاً خون کارگران را می مکند، نه تنها کارگران بلکه همه خلق ما تحت ستم آنهاست و باید همه خلق و در رأس آن طبقه کارگر در وهله اول یک مبارزه ضد امپریالیستی را در جهت برانداختن سرمایه داری وابسته دنبال کنند. خلاصه باید کار افشاگریهای سیاسی را دنبال کرد. این نشریه سعی دارد مسائل روز را با کارگران و همه زحمتکشان در میان بگذارد، زورگویی سرمایه داران (سنگین گرو) ما مور حفاظت کارخانه را افشا کند. علاوه سعی ما بر این است که این نشریه بتواند رابطه ای بین کارگران سراسر کشور برقرار سازد، تا مثلاً کارگران پالایشگاه نفت در آبادان بدانند که در کارخانه ایران ناسیونال یا جنرال موتورز تهران چه میگذرد و از تجربیات یکدیگر استفاده کنند طبیعتاً این نشریه در صورتی میتواند وظیفه خود را بدرستی انجام دهد و در خدمت طبقه کارگر و همه زحمتکشان قرار گیرد که خود کارگران در مسائل و موضوعات مورد بحث آن فعالانه شرکت و همکاری داشته باشند. بنابراین، از همه رفقای کارگر میخواهیم تا با تهیه و ارسال اخبار و گزارشها از محیط کارخانه، محل زندگی و مسائل و مشکلات خود و نیز تهیه مقالات، پیشنهادات و انتقادات، ما را در این جهت یاری کنند. اگر این همکاری در سطح وسیعی انجام گیرد آنوقت این نشریه میتواند وظیفه مهم خود را بدرستی انجام دهد.

ما فعلاً این نشریه را هر هفته یکبار منتشر میکنیم و امید داریم بتوانیم در آینده ای بسیار نزدیک آنرا بصورت یک روزنامه همه روزه در اختیار کارگران قرار دهیم.

مستحکم باد پیوند کارگران، دهقانان و همه زحمتکشان

پرسش یک کارگر:

آیا کارگران باید یکبار دیگر انقلاب کنند؟

که در مورد کارخانهها چون از طرف رهبری هیچ دستوری داده نشده است و مردم هم در حین انقلاب خود رأیاً در این باره اقدامی نکرده اند، کاری از دست شما ساخته نیست. آیا کارگران در حالی که سلاح بر کف در خیابانها می جنگیدند و هیچگاه سنگرهایشان را ترک نکردند، می بایستی اقدامی عملی در مورد کارخانهها نیز انجام دهند و آیا باید یکبار دیگر انقلاب کنند و به کارخانهها حمله کنند تا شما بتوانید کاری انجام دهید؟

براستی آیا دولت موقت در مورد کارخانههایی که متعلق به سرمایه داران وابسته به امپریالیسم بوده اند یعنی سرمایه دارانی که در صف ضد خلق مبارزه می کردند چه تصمیمی دارد؟ دولت باید دقیقاً موضع خود را در این مورد روشن کند تا کارگران ما از آن آگاه شوند.

مسئله کارگران اخراجی نیز یکی از مسائل مهمی بود که کارگران بر آن تأکید داشتند. آنها میخواهند بدانند که تکلیف حدود سه میلیون کارگران اخراجی چه میشود و دولت در مورد آنها چه تصمیمی گرفته است. کارگری در این مورد چنین گفت: "تقریباً ۲ الی ۳ میلیون کارگر اخراجی داریم که با خانوادههایشان حدود ۱۰ الی ۱۲ میلیون نفر میشوند. آنها حدود چهار ماه است که اخراج شده اند و تا حال با اندک پس اندازی که داشته اند و با با فروش وسائل زندگیشان توانسته اند به زندگی خود ادامه دهند. اما دیگر چیزی ندارند که بفروشند. آقای وزیر هرچه زودتر در مورد این کارگران تصمیم بگیرید."

این سخن همان کارگران اخراجی است که به خاطر مبارزه بر علیه رژیم پیشین توسط سرمایه دارانی که از جانب امپریالیسم و شاه خاشن حمایت می شدند، اخراج شده اند و امروزه به حق خواستارند که پس از سرنگونی رژیم به سرکار خود باز گردند. در مورد مسکن نیز که یکی از مسائلی است که تاکنون هیچ کام عملی در جهت آن برداشته نشده است، کارگران پیشنهادهای عملی دادند آنها گفتند که در تهران خانهها و آپارتمانهای زیادی است که در تملک شاه و دار و دسته اش بوده است. چرا هرچه زودتر

- خواستهای عمده آنها به شرح زیر بود:
- ۱- کلیه کارگرانی که اخراج شده اند به سرکار خود بازگردند.
- ۲- کارگران در امر مدیریت و اداره کارخانهها و کارگاهها دخالت داشته باشند.
- ۳- قوانین و مقررات کار سابق لغو گردد.
- ۴- روشن شدن وضع بیمه کارگران.
- ۵- لغو کار مزدی.
- ۶- کارفرما حق اخراج کارگران را ندارد.
- ۷- پرداخت کلیه حقوق در حین بیماری کارگر
- ۸- مرخصی به مدت یکماه در سال
- ۹- تعیین ساعت کار به مدت چهار ساعت در هفته.
- ۱۰- لغو اضافه کار اجباری
- ۱۱- اختصاص ساختمانهای برای سندیکاها و سازمانهای کارگری.

اما وزیر کار این بار هم مانند اجتماع کارگری چند روز پیش از دادن جواب صریح و قاطع به خواستههای برحق کارگران خودداری کرد و سعی نمود از دادن پاسخ قطعی طفره ببرد. مثلاً چنین گفت که "دیگر کار خراب کردن کشور تمام شده و باید از نو بسازیم. کارگران باید سعی کنند تنها آن اندازه که لازم است تولید کنند و میتوانند با پاکسازی سندیکای قدیمی دوباره از آن استفاده کنند." در مورد کارگران اخراجی هم جواب روشنی داده نشد. اما کارگران آگاه ما به کلی گوئی آقای وزیر اعتراض کردند و از او خواستند که به طور مشخص به مسائل جواب دهد. آنها در پاسخ به کلی گوئی آقای وزیر گفتند که نه تنها مبارزه با پیمان نیافته بلکه به خصوص مبارزه در جهت ریشه کن ساختن سلطه امپریالیسم باید با شدت ادامه یابد. زیرا بدون قطع سلطه امپریالیسم پیروزی قطعی امکان پذیر نیست. آنها سوال کردند که آیا کارگران به ابتدائی ترین خواستههای خود رسیده اند و آیا با وعده و وعیدهایی که به ما میدهند تکلیف شکم گرسنه کارگر چه میشود؟ یکی از کارگران که در مورد خواستههای کارگران راجع به نحوه اداره و مالکیت کارخانه سخن می گفت در پاسخ به بهانات وزیر کار در این مورد چنین گفت "آقای وزیر شما می گوئید

خلق قهرمان ایران

کارگران مبارز از آنجا که بدون مشارکت و همگامی شما قادر نخواهیم بود در انتشار این نشریه آنگونه که باید موفق بوده و وظیفه اساسی خود را در این زمینه به انجام رسانیم بنابراین از شما انتظار داریم با ارسال مطالب، نظریات و انتقادات خود در غنی تر ساختن هرچه بیشتر این نشریه ما را یاری نمایید. آدرس: تهران خیابان فدائی (میکده سابق) ستاد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران.

نماینده سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در اجتماع احمد اباد گفت:

درک نادرست بعضی رهبران از ارتش ضد خلقی، جنبش را تهدید میکند

جنبش را تهدید میکند

برای بزرگداشت خاطره دکتور محمد مصدق رهبر صدیق و مبین پرست ایران روز دوشنبه ۱۴ اسفند در سالروز درگذشت او رودی بزرگ از دریای بیکران خلق ما کوره راههای احمد اباد را پشت سر گذاشت تا در کنار روزمندگان سازمانهای انقلابی خاطره دکتور مصدق را زنده کند.

در این مراسم ابتداء آیت الله طالقانی در مورد ضرورت وحدت اظهار داشت: حالا رسیده ایم به یک سرفصل تاریخی، یکی از خصایص بزرگ استبداد همان تفرقه افکنی است. تضاد ایجاد کردن، فارس، عرب، ترک، سنی و شیعه ساختن، کار استبداد است. تا مردم به نظر وحشت و بدبینی بهم نگاه کنند. ما همه جزو یک خانواده هستیم باید با هم بسازیم و اختلافاتمان در حد اختلاف یک خانواده باشد. بدانید که همه با هم برادریم.

سپس سعید رجوی از سازمان مجاهدین خلق مختصری از مواضع این سازمان را چنین تشریح کرد: رژیم شاه طبیعتاً عمد داشت که ما را خرابکار قلمداد کند. ولی جنگ ما نهایتاً بخاطر صلح و سازندگی است. هدف ما از مبارزه نهایتاً استقرار هماهنگی و وحدت هر چه بیشتر در همه زمینههای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. ... آیا ما گفته ایم که یکبار سرمایه داری ملی باید از بین برود؟ آیا ما گفته ایم که باید فعالیت های احزاب ما جلوی گرفته شود؟ ... ما در خطوط ضد امپریالیستی با دولت همکاری و حتی تابعیت خواهیم داشت اگر ما برای کسانی بدهستیم این امپریالیست ها هستند. پس از آن نماینده سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ضمن تجلیل از دکتور محمد مصدق مواضع انقلابی او را تشریح کرد. که ما قسمتی از این سخنان را در اینجا بازگو خواهیم کرد:

مبارزات در حاشان ملی کردن نفت در سراسر کشور به رهبری دکتور مصدق، طلسم افسانه ای امپراطوری بریتانیا را در اذهان ایرانیان شکست و با قطع نفوذ امپریالیزم انگلستان از ایران و استفاده از تضادهای امپریالیست ها و استفاده از تفرقه عمومی مردم از انگلستان و مبارزات مردم در قطع نفوذ امپریالیسم انگلستان از ایران، توانست قانون ملی شدن نفت را از مجلس بگذراند و رهبری مبارزات مردم را که منجر به خلع پد از شرکت نفت انگلیس شد بدست گیرد.

اما در این دوران، رهبران حزب توده، با تبعیت کورکورانه از سیاست احزاب دیگر کشورها و طرح شعارهای انحرافی، به وحدت نیروهای خلقی، آسیب رساندند. برخی از متحدان مصدق در جبهه ملی نیز در حساس ترین شرایط مصدق را تنها گذاشتند و در واقع به آرزوی مردم خیانت کردند چه رهبران حزب توده و چه سازشکارانیکه در رهبری جبهه ملی نفوذ

کرده بودند، پس از سرنگونی دولت ملی دکتور مصدق با فرار و تسلیم طلبی خود راه را برای شکست جنبش و تثبیت رژیم کودتا هموار کردند.

نماینده سازمان همچنین در مورد اشتباهات دکتور مصدق افزود: "دکتور مصدق متأسفانه بمفهوم مبارزه طبقاتی عقیده نداشت این دیدگاه در برخوردش نسبت به مسائل جامعه اثر میگذاشت و از جمله برخوردی که او با ارتش طبقاتی کرد نمایانگر همین دیدگاه بود. او تصور میکرد که اگر ارتش ضد خلقی را "تصاحب" کند میتواند آنرا در جهت هدف های ملی بکار گیرد. اما دیدیم که حتی در اختیار گرفتن ارتش هم مسئله ای را حل نکرد و ارتشی که کلاً در خدمت امپریالیسم بود با تصفیه چندین نفر از امرای ارتش "اصلاح" نشد و دیدیم که چگونه همین ارتش تمام دستاوردهای مردم را نقش بر آب کرد. متأسفانه همین برداشت نادرست در بعضی از رهبران جنبش و در دولت موقت کنونی بخوبی دیده میشود و تذکرات و رهنمودهای سازمانها و جریانهای انقلابی از جمله سازمان چریکهای فدائی خلق درباره بازسازی و ایجاد ارتش خلق نادیده گرفته میشود. و با فشاری این نیروها را روی این اصل اساسی، کوشش برای "بیدفاع گذاردن مردم در مقابل هجوم بیگانگان" تلقی میکنند. و با بعضی ها مفرضانه

شایع میکنند که گویا سازمان چریکهای فدائی خلق ایران میخواهد ارتش را بکلی از بین ببرد و با مخالف بوجود آمدن قوای انتظامی است. و یا اینکه میخواهد با از بین بردن ارتش، درجه داران و افسران را پراکنده کند و آنانرا بیخانمان سازد.

همه اینها شایعات مفرضانه است که بر علیه منافع خلق و کلیه سازمانهای انقلابی و نیروهای مترقی - پراکنده میشود. ما معتقدیم، هیچیک از اتحاد و افراد خلق نباید بیکار باشد. ما معتقد به ایجاد ارتش خلق برای پاسداری از انقلاب هستیم، تا عوامل رژیم خائن سابق و امپریالیسم نتوانند دوباره مسلط شوند تا فاجعه کودتای ۲۸ مرداد بار دیگر تکرار نگردد. ما معتقدیم که ارتش خلقی باید با شرکت کارگران، دهقانان، سربازان، درجه داران، همافران و افسران جزء و مبین پرست و همه نیروهائی که در انقلاب شرکت کرده و صداقت و وطن پرستی خود را به مردم و به انقلاب مردم نشان داده اند تشکیل شود. ما معتقدیم که فرماندهی این ارتش باید از دل شوره های سربازان، درجه داران، همافران و افسران جزء بیرون آید.

نماینده سازمان سپس به تجربیات پسرارزش مصدق در سالهای آخر زندگی اشاره کرد مبنی بر اینکه "دکتور مصدق در اواخر زندگی اعمال قهر انقلابی را در مقابل قهر ضد انقلابی دشمنان خلق برای پیروزی بر امپریالیسم و عوامل داخلی آن ضروری دانست و آنرا به مردم ایران توصیه کرد. او همچنین بر روی

نبرهای کارگری

مهمترین خبرهای کارخانجات در چند هفته گذشته:

تشکیل شوراهای کارگری، بازگشت کارگران اخراجی، تلاش برای گرفتن حقوق عقب افتاده، اجتماعات صنفی - سیاسی کارگران و دانشجویان، اخراج عناصر ضد انقلابی و ساواکی از کارخانه ها، افشاگری صاحبان ضد انقلابی کارخانه ها و مزدوران آنها، ادامه مبارزه برای پیشبرد سریع و صحیح انقلاب و ...

تشکیل شوراهای کارگران جیت تهران کارگران کارخانه جیت سازی تهران شورای کارگران کارخانه را برای نظارت در تولید و فروش محصولات کارخانه انتخاب کردند. در دیگر کارخانجات جیت سازی کار انتخابات شوراهای کارگری جریان دارد.

خشم انقلابی کارگران "نخستاب فیروزان" بیش از ۳۰۰ کارگر کارخانه "نخستاب فیروزان" که در دو شیفت کار می کنند برای گرفتن دوماه حقوق عقب افتاده خود روز چهارشنبه ۵۷/۱۲/۹

بغیه در صفحه ۷

دست از کار کشیدند. کارفرما قول داد حقوق یک ماه را پرداخت کند و حقوق یکماه دیگر را بعداً بدهد. کارگران به کار بازگشتند اما کارفرما از پرداخت حقوق خودداری کرد. کارگران خشمگین دست به تهاجم زدند و اخطار کردند چنانچه کارفرما فوراً حقوق دو ماه عقب افتاده را ندهد، اداره کارخانه را بمعبده خواهند گرفت. خشم انقلابی کارگران، کارفرما را مجبور به تسلیم کرد.

حمایت کمیته امام از صاحب کارخانه نیتون کارگران کارخانه نیتون در یکولومتر ۱۵ ساره روز شنبه ۲۸ بهمن برای گرفتن حقوق عقب مانده خود دست از کار کشیدند و با (باسنی) صاحب کارخانه به گفتگو پرداختند. با سنی ادا کرد پول ندارد و خانه اش را گرو گذاشته است. یکی از کارگران به ماشین آخرین سیستم و دارایی های او اشاره کرد و گفت: "ما امروز حقوق خود را از تو

این نکته تاکید کرد و اعلام داشت که بر همه نیروهای مستقل خلق که در راه آزادی و استقلال ایران مبارزه میکنند لازم است که صرف نظر از اعتقادات مذهبی، مرامی و مسلکی در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع متحداً مبارزه کنند.

سازمان چریکهای فدائی خلق از این آرمان مصدق پشتیبانی میکند و معتقد است حال که رژیم سابق سرنگون شده حاکمیت خلق وجود خواهد داشت مگر آنکه نهادهای دمکراتیک یعنی شوراهای کارگران، دهقانان، کارمندان، دانشگاهیان، فرهنگیان پیشهوران، درجه داران، سربازان و همافران و افسران جزء و وسائل ارتباط جمعی بصورت دموکراتیک اداره شود. سازمان چریکهای فدائی خلق لغو کلیه بدهیها و تعهدات مالی کارگران، دهقانان، پیشهوران، کارمندان را به بانکها و سایر موسسات دولتی خواستار است.

ما خواستار اخراج همه مستشاران نظامی خارجی و لغو کلیه قراردادهای بویژه قرارداد نفت با کنسرسیوم بین المللی و مصادره کلیه اموال خاندان پهلوی و غارتگران و سرمایه داران وابسته به رژیم سابق هستیم ما خواستاریم که ساعت کار کارگران بر طبق قوانین بین المللی کار به ۴ ساعت در هفته تقلیل یابد.

ما نامین آزادیهای دموکراتیک را برای تمام زنان و مردان ایرانی و برسمیت شناختن آزادیهای فرهنگی و قومی و حقوق ملی همه خلقهای ایران را خواستاریم.



درد ما بر:

رفیق شهید اسکندر صادقی نژاد دبیر سندیکای فلزکار مکانیک و عضو سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که در حقیقت سمبل درخشانی بود از اراده آهنین و عزم راسخ طبقه کارگر که تا پای جان در راه آرمان طبقه کارگر مبارزه کرد و در سال ۱۳۵۰ در مبارزه با مزدوران رژیم منغور پهلوی شهادت رسید.

کلیه بدهی ها و تعهدات مالی کارگران، دهقانان و زحمتکشان به بانکها و موسسات دولتی باید لغو شود

سرلشکر قرنی کیست و چه مأموریتی دارد؟

اشاره:

از آنجا که سازمان چریکهای فدائیان خلق ایران منافع طبقه کارگر را جدا از منافع سایر طبقات و اقشار خلق نمیداند و از آنجا که پیمان راسخ دارد، رهائی طبقه کارگر ایران و دستیابی به خواستههای دموکراتیکش جز با شناخت و آگاهی یافتن به مسائل اقتصادی و سیاسی جامعه امکان پذیر نیست. بنابراین کوشش خواهیم کرد، از این پس ضمن طرح مسائل سیاسی و استفاده از تجربیات مبارزاتی رفقای کارگر با صراحت تمام به افشای گری بخشی از سیاستهای دولت که چه آگاهانه و چه ناآگاهانه منافع خلق ایران را به خطر میاندازد، بپردازیم تا رفقای کارگر به مسائل جاری کشور بیشتر آگاه گشته با درایت و هوشیاری کامل به پاسداری از دست آوردهای انقلاب بکوشند. بنابراین لازم دیدیم نمونه‌هایی از انتصابات ناپجا و پر مخاطره‌ای را که در رأس همه آنها قراردادن سرلشکر قرنی یک همکار کینه‌کار امپریالیسم به ریاست ستاد ارتش ملی اسلامی است، برای خلق ایران روشن سازیم. هر چند که نمونه‌های زیادی از این نوع انتصابات غیر مردمی را خود کارگران بخصوص در بخش‌های حفاظت کارخانه‌ها شاهد میباشند.

اطلاعات تازه‌ای در مورد سرلشکر قرنی در مورد تیمار سرلشکر قرنی رئیس ستاد ارتش ملی تاکنون حرفهای زیادی گفته شده و اسناد گوناگونی منتشر گردیده است. سابقه این سرلشکر ارتش مزدور شاهنشاهی که در سپاه‌های مختلف به "درجه امیری" رسیده و حساس‌ترین پست‌های ارتش مزدور را اشغال کرده و همچنین اقدامات او پس از پیروزی قیام خونین مردم و از بین رفتن رژیم شاهنشاهی نشان میدهد که پیوندی میان آن گذشته‌نگین و این اقدامات اخیر وجود دارد. برای آگاهی خوانندگان مختصری از سوابق تیمار سرلشکر محمد ولی قرنی را براساس اسنادی که بدست آمده افشا می‌کنیم:

سرهنگ محمدولی قرنی در سال ۱۳۳۲ معاون تیپ رشت بود. وی صبح روز ۲۸ مرداد پس از دستگیری فرمانده تیپ "سرتیپ فرخنده‌بی" با بخون کشیدن و کشتار وحشیانه مردم، موج انقلاب ملی را در رشت سرکوب می‌کند و به پاس این خدمت صادقانه به شاه و آمریکا، به درجه سرتیپی می‌رسد. پس از سرکوب نهضت ملی و کشتار و

دستگیری مبارزان و تسلط سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) بر ارتش ایران "مهره‌های وفادار" انتخاب می‌شوند و به خدمت امپریالیسم آمریکا و نوکران گوش بفرمان آنها در می‌آیند. تیمار قرنی که در طول سوابق خدمت خود نشان داده بود می‌تواند خدمتکار مورد اعتمادی باشد همراه جنایتکارانی چون سرلشکر بختیار و سرلشکر آزموده به بازسازی و تقویت ارتش شاهنشاهی و دستگیری و اعدام مبارزان راه آزادی همت می‌گمارد. تیمار سرتیپ قرنی مدتی بعد به ریاست رکن دوم ستاد ارتش (یکی از حساس‌ترین پست‌های سازمانی ارتش و مرکز جاسوسی و خبرچینی) منصوب می‌شود. به دلیل خدمات ارزنده‌اش به شاه نشان‌ها و مدالیهای متعددی می‌گیرد و در نوروز سال ۱۳۳۴ بدریافت یک قطعه نشان همایون از دست مبارک شاهنشاه! مفتخر می‌شود. سرتیپ قرنی در سال ۱۳۳۴ که افسران مترقی و مبارز ارتش دستگیر و تیرباران میشوند رئیس رکن دوم ارتش بوده و در آن جنایات دخالت مستقیم داشته است.

وی در تیرماه سال ۳۴ بمدت دو ماه ونیم برای تبادل نظر با اربابان و دادن گزارشهای لازم به اروپا و آمریکا سفر می‌کند. در این مسافرتها تعلیمات لازم و شیوه‌های جدید سرکوب جنبش رهائی بخش خلق به وی و همراهانش آموخته می‌شود. مطابق اسنادی که بدست آمده سرتیپ قرنی در این مدت ملاقات‌های محرمانه و بسیار مهمی با رؤسای سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) داشته است و گزارشهایی از وضع ارتش شاهنشاهی و قدرت سرکوب آن به مقامات سیا تسلیم می‌کند و متقابلاً دستورات لازم را دریافت می‌دارد. تیمار قرنی که در سالهای حساس و سرکوبگر ۳۴ و ۳۵ و ۳۶ ریاست رکن دوم ستاد ارتش را به عهده داشته عملاً اموری را که بعدها به ساواک واگذار شد اداره می‌کرده است. وی در بوجود آوردن ساواک نیز همراه بانیمور بختیار و نصیری و آزموده مشارکت مستقیم داشته است. سرهنگ زیبایی و سرهنگ سیاحتگر (شکنجه‌گران معروف ساواک) از شاگردان او بوده‌اند. بقیه در صفحه ۷

در دادگاه بدوی

سرلشکر قرنی را بدو سال زندان و اخراج ابد از ارتش محکوم شد

دادگاه ۹ صبح تایک بعد از ظهر در حالت شور بود سرلشکر قرنی از پیشگاه ملوکانه تقاضای عفو کرد این سند پس از بیست سال یکبار دیگر منتشر میشود. در خرداد ۱۳۳۷ سرلشکر قرنی که به اتهام کودتای امریکائی در دادگاه محاکمه میشد از پیشگاه ملوکانه تقاضای عفو کرد. گزارش این دادگاه در مطبوعات آن زمان بطور مشروح منعکس شد. متن بالا عنوان یکی از روزنامه‌ها است که برای آگاهی خلق ایران عیناً چاپ میشود.

سانسور مطبوعات محکوم است.

در چاپ نخست کیهان چهارشنبه ۱۲/۹ خبری تحت عنوان "دولت نباید حامی کارفرما باشد، درج شده بود. این خبر درباره اجتماع کارگران در خانه کارگر و بیان خواسته‌های کارگران بود. خلاصه خبر چنین بود: هیچ کارگری نباید اخراج شود. کارگران اخراجی باید به سرکار باز گردند، حمایت دولت از کارفرمایان را محکوم میکنیم. حمایت دولت از کارفرمایان سبب شده است که موقع مراجعه کارگر برای گرفتن حقوق حقه‌اش با جواب سربالا مواجه شود. شوراها کارگری و سندیکاهای واقعی باید تشکیل شوند و برامر تولید و توزیع نظارت داشته باشند.

خبر فوق در چاپ دوم کیهان همان روز سانسور شد. چرا نباید خبر مربوط به کارگران در روزنامه درج گردد؟ چه عواملی دست‌اندر کار جلوگیری از رسیدن صدای کارگران به دیگر زحمتکشان است و این عوامل در خدمت چه کسانی هستند؟ آیا پس از این همه مبارزات خونین و این همه شهادتی که در راه استقلال و آزادی داده‌ایم هنوز باید روزنامه‌ها سانسور شوند؟ ما معتقدیم کارگران زحمتکش که در مبارزه خونین خود بر ضد دیکتاتوری برای ایرانی آزاد و دموکراتیک جنگیده‌اند، وقت

ضد انقلاب را افشای کنیم

صاحبان اصلی کارخانه‌ها چه کسانی هستند؟

دشمنان طبقه کارگر در بنز خاور در کارخانه سبز خاور هنوز دشمنان طبقه کارگر مشغول کار هستند. نام چند تن از آنها را اعلام می‌کنیم: مهندس زاکاربان - سرهنگ بازنشسته مهدی گلرخ - مهدی شیرزادگان (رئیس کارگرینی) - علی عبادی (سرپرست تأسیسات) - مهندس آوانسیان و مهندس پرهیزکاری. این افراد سالها حقوق کارگران را پامال کرده‌اند. چرا هنوز باید سرکار باشند؟ باید اموال آنها مصادره شود. صنایع خرسندی مدیرکل وزارت کار با همدستی سرمایه‌داران کارخانه سبز خساور سال گذشته ۹۷ کارگر این کارخانه را اخراج کرد. آنها باید به کارخانه باز گردند کارگر اخراجی بنز خاور

پیوند نامقدس خپامی‌ها با دربار و اردشیر زاهدی نیمی از سهام شرکت ایران ناسیونال متعلق به دربار و اردشیر زاهدی است. برادران خپامی که از نوکران و مباحثان سرسپرده دربار بودند با گرفتن وام‌ها و اعتبارات زیاد از بانکها و همچنین استفاده از امکانات آستان قدس رضوی توانستند تأسیسات ایران ناسیونال را بوجود آورند. یک قلم از این چپاول‌ها دریافت ۱۵۰ هکتار اراضی موقوفی آستان قدس رضوی به‌بهای ناچیز متری سه‌ریال بود. سرمایه‌اولیه کارخانجات ایران ناسیونال متعلق به مردم و تکامل تجهیزات و گسترش کارخانجات آن متعلق به زحمتکشان ایران ناسیونال است.

انست که از حقوق حقه برخوردارباشند. جلوگیری از انعکاس خواسته‌های کارگران، طبقه‌ای که بار اصلی مبارزه را به دوش کشیده است هشدار می‌دهد است به طبقه کارگر، هشدار می‌دهد که مبین این واقعیت است که سلطه ارتجاع و امپریالیسم هنوز پایان نیافته و مبارزه هنوز ادامه دارد.

بنیاد پهلوی و چپاول صنایع قندسازی بسیاری از کارخانجات و صنایع بزرگ کشور است اکثریت سهام کارخانجات قندسازی را در دست دارد. تعدادی از آنها عبارتند از: شرکت تولیدی قند کرج - قند پارس - قند مرودشت - شرکت تولیدی کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز - قند دزفول - قند شاه‌آباد قند قسا - قند کرمانشاه - قندلرساں ... کارگران و زحمتکشان صنایع قند سازی که از پنجاه سال پیش بادست‌های بیرون خود چرخ این کارخانجات را به حرکت درآورده‌اند و از باسابقه‌ترین و محروم‌ترین کارگران ایران هستند خواهان مشارکت در منافع این کارخانجات هستند.

اعلام همبستگی ابوالقاسم لاجوردی برای ادامه چپا و لگری سنانور ابوالقاسم لاجوردی مالک و سهامدار اصلی گروه صنعتی بهشهر که بیش از ۳۶ کارخانه و شرکت بزرگ صنعتی و ده‌ها بخش تولیدی و بازرگانی دیگر را صاحب است چندی پیش با انقلاب ایران اعلام همبستگی کرد. وی که درس خود را خوب "بلد" است می‌خواهد با این عمل بار هم مانند گذشته خون کارگران را بکشد. وی سالها نایب رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن و چند دوره نماینده مجلس و سناتور بود. در شهریور سال ۵۰ وی به دست بوس علیاحضرت شهبانوی سیکوکار! رفت و گردن بند و گوشواره‌های اهدایی علیاحضرت را که در هتل هیلتون به حراج گذاشته بود به مبلغ دو میلیون تومان خریداری کرد.

ابوالقاسم لاجوردی از عوامل سرمایه‌داران آمریکائی و از وابستگان نزدیک دربار است و اعلام همبستگی او با انقلاب تنها برای فرار از مجازات است.

کارگران گروه صنعتی بهشهر توفیع افراد ضد انقلابی مهندس سراجی که کارگران کارخانه نیرو را در مدت اعصاب تهدید به اخراج میکرد و با ضد انقلاب همدست بود اخیراً "به معاونت نیرو و همدست او "فائمی" به مدیریت کل وزارت نیرو استان خراسان منصوب شده‌اند. با این انتصابات آنها می‌توان به موفقیت انقلاب دل‌خوش بود.

گروهی از کارگران



دراجماع وزارت کار:

کارگران خواستار شرکت مستقیم در تصمیم گیری های سیاسی شدند

کارگران در اجتماعات وزارت کار گفتند: کمیته امام نباید مانع ارتباط کارگر و دانشجو شود. شکم گرسنه کارگر را فقط نان جواب می دهد.

دراجماعات مختلف وزارت کار، کارگران حرفه ای بسیاری ردند که ما قسمت هایی از آنها را عیناً نقل می کنیم:

آیا باید بیکار دیگر انقلاب کنیم؟ آقای داریوش فروهر، شما در سخنرانی خود گفتید: "در مورد دخالت کارگران در اداره کارخانه ها چون از طرف رهبری هیچ دستوری داده نشده و مردم هم این عمل را در موقع انقلاب انجام نداده اند من نمی توانم هیچگونه کاری بکنم". اول اینکه: شما باید بدانید همان انتقال قدرت که به شما داده شده یعنی اینکه می توانید در این مورد تصمیم بگیرید و دیگر لازم نیست در اینگونه کارها که خواست همه کارگران است از مقامات بالا دستور بگیرید. دوم اینکه: کارگران هنگامی که مشغول انقلاب بودند نمی توانستند سنگربانان را ترک کنند و کارخانه ها را به اشغال در بیاورند. چون ما مطمئن بودیم که بعد از پیروزی این کارها انجام می شود. شما با این حرف خود به ما می گوئید که بیکار دیگر انقلاب کنیم تا بتوانیم کارخانه ها را بدست آوریم و شما بتوانید کار خود را انجام دهید. البته در آن موقع دیگر به وجود شما احتیاجی نداریم...

کارگر ایران ناسیونال

چرا روشن تر حرف نمی زنید؟ شما در جواب خواست های ما می گوئید: "فشار می آورم به کمیسیون ها تذکر می دهم". سوال من این است که مگر با "فشار آوردن" و "تذکر دادن" به کمیسیون ها می توان حق کارگر را برگرداند؟ چرا مشخص تر و روشن تر حرف نمی زنید. شما با حرف هایتان ما را به یاد وزیر قدیمی شاه می اندازید در حالیکه ادعا می کنید مدافع کارگران هستید.

کارگر ایران ابزار

به من بگوئید وظیفه وزارت کار چیست؟ من که ۱۵ سال است کارگرم هنوز

نمی دانم وظیفه وزارت کار و نقش وزیر آن چیست؟ آیا وظیفه این وزارتخانه دادن جواب های "بی سروته" به کارگران و نقش وزیر آن ریاست کردن و نشستن در کاخ ده طبقه وزارت کار است؟ خانم مریم - س کارگر داروپخش خراب کردن ادامه دارد. آقای وزیر کار در سخنان خود گفت: "خراب کردن تمام شده و ما باید بسازیم" بنظر من تازه اول خراب کردن است. البته خراب کردن چیزهای امپریالیستی و ضد انسانی و ضد کارگری که باید همچنان ادامه داشته باشد.

محمد - ر

تکلیف شکم گرسنه کارگر چیست؟ از آقای وزیر کار و با مقامات بالاتر سه سوال دارم: یکی اینکه هر حرفی که آدم می زند می گویند دولت موقت است، بعداً درست می شود. آقای فروهر هم که می گوید تا مجلس موافقت درست نشود نمی توان کاری کرد. تا آن موقع تکلیف شکم گرسنه من چه می شود؟ دوم اینکه: آقای وزیر کار مسئولیت تمام کارها را بعهده رهبری انقلاب می گذارد، پس لطفاً بگویند مسئولیت خودشان چیست؟ ایشان می گویند به کارفرماها گفته اند کارگران را به سرکارها بگذارند، ضامن اجرای این دستور چیست؟ (پاسخ سوال سوم را خودم می دهم: دستورات این دولت موقتی است. اجرای آن با دولتهای بعدی است).

کارگر بیکار

ساختمانهای ساواک و حزب رستاخیز را به کارگران بدهید.

در مورد واگذاری محل برای سندیکا و سالن کارگری شما گفتید "کارگران می توانند از محل هایی که قبلاً مربوط به کارگران بوده استفاده کنند". مگر شما نمی دانید در رژیم گذشته سازمانها و ساختمانهای کارگری در حداقل بود و ساختمانهای ساواک و حزب رستاخیز و... در حداکثر. چرا آنها را در اختیار ما نمی گذارید. آیا می خواهید آنها را دوباره تجدید سازمان بدهید؟

علی ش

کارخانه، خانه دانشجویان است. وزیر کار می گوید دانشجویان و مبارزین نباید به کارخانه ها بروند. من

که یک کارگر هستم برخلاف این نظر می دهم و می گویم کارخانه ها، خانه دانشجویان است و دانشگاهها نیز خانه کارگران.

وزیر کار می گوید مانعی برای ارتباط کارگر و دانشجو در خارج کارخانه نیست. سوال من این است که اگر مانعی برای این کار نیست چرا کمیته های امام دانشجویان و کارگران را بخاطر ارتباط گرفتن باهم دستگیر می کنند. آیا کارهای ساواک باز باید تکرار شود.

کارگر شرکت ره ساز

نمی دانم چرا وزیر کار این حرف را زد. من به حرف وزیر کار که می گوید کار وزارتخانه مهمتر از کار کارگران است اعتراض دارم. البته من فکر می کنم آقای داریوش فروهر تاکنون به کارگران احترام گذاشته و برخلاف وزیران رژیم سابق در جلسات آنها باصمیمیت شرکت کرده است. نمی دانم چرا این حرف را زده است.

کارگر مونتاز

کارگران باید در شورای انقلاب شرکت کنند.

وزیر کار در سخنرانی اش گفت "هر انقلاب دونتیجه دارد یکی اقتصادی و دیگری سیاسی. کارهای اقتصادی در درازمدت عملی می شود ولی کارهای سیاسی به سرعت انجام می شود". حرف من این است که چرا کارگران را در فعالیت های سیاسی دخالت نمی دهید و نمایندگان آنها را در شورای موقت انقلاب و دیگر قسمت های سیاسی که سرنوشت مملکت را تعیین می کنند راه نمی دهند؟ آیا بازم جریانات گذشته می خواهد تکرار شود؟

کارگر کشفاف

خون ما پیرهن کارگران
خون ما پیرهن دهقانان
خون ما پیرهن سربازان
خون ما پرچم خاک ماست ...
(از وصیت نامه گل سرخی)

کارگر

ز کار کارگر گیتی چو مینوست
جهان آسوده ها او در تکاپوست
بجز زنجیر خود چیزی ندارد
وگر خیزد بپناه دنیائی از اوست

کارگران خود سخن میگویند:

در مرحله کنونی جنبش طبقه کارگر و زحمتکش کشور ما با بیداری و آگاهی خواستار آنست که قدمهای محکمی در جهت اتحاد و تشکل خود بردارد تا بتواند حقوق پایمال شده خود را بازستاند و در مراحل بعدی به هدفهای عالی تر طبقه خود که شرکت در قدرت سیاسی است دست یابد.

برای آنکه طبقه کارگر کشور ما بتواند در اولین قدمهای پایمال محکم اتحاد و تشکل خود را بی ریزی کند، لازمست که بتواند علل عدم تشکل خود را در گذشته و حال بدرستی ارزیابی نماید. از اینرو که کارگران پیشرو و آگاه ما تا بحال گفتگوها، سخنرانیها و بحثهایی در این باره انجام داده اند، قطعات زیر را از میان گفته های آنها جمع آوری کرده ایم و در اختیار رفقای کارگر میگذاریم، تا با نظرات و پیشنهادهای دیگر رفقای کارگر بتوانیم این بحث را کاملتر کنیم.

۱ - علل عدم تشکل ما چیست؟

ضعف آگاهی

"یکی از عواملی که باعث شده ما متشکل نباشیم، عدم آگاهی کارگر است. ما کارگران به علت وضع اجتماع و فقر و شرایط کارمان حتی نتوانسته ایم سواد یابد بگیریم، تا چه رسد به مسائل دیگر. دائماً کار می کنیم و وقتی هم به خانه می رویم فرصت یاد گرفتن نداریم. کارگر نمی داند کجای جامعه ایستاده، چه کاری بدستش انجام می شود، چه حقوقی دارد و مشکل او هم همین است... من اگر بدانم که نصف پولم توی جیب این سرمایه دار است که فراموش کرده ام، می گویم بده. اگر نداد بقیه اش را می گیرم. خیلی ساده است. کارگری که در تمام مدت که من با او کار کردم، همیشه به کارفرما تعظیم و تکریم می کرد، حالا توی این شور انقلابی، وقتی که ما متحصن شدیم و دفتر مرکزی را اشغال کردیم و کارفرما را روگوان گرفتیم آقای تیمسار زالتاش آمد و تفنگش را گذاشت روی سینه این کارگر و همین کارگر گفت: "بزن! چکار میتوانی بکنی؟ نعر بعدی بقیهات را می گیرد." جلو تیمسار زالتاش کراوات کارفرما را گرفت بپچاند و چسباندش به دیوار، گردش توی اتاق و در را هم قفل کرد و کلید را هم گذاشت توی جیبش. گفت: "حالا با کلتت من را بزن. تا پولم را ندهی کلید را نمی دهم." زالتاش گفت: "برایت می گیرم." گفت: "من فقط پول را می شناسم آن سکه محمدرضا شاه خائن را." حقتش را میخواست لمس بکند.

دوستان! کارگر اگر قدرت خودش را اول بشناسد، حقتش را هم از آن کاری که می کند بشناسد، من فکر می کنم خودش می رود و حقتش را می گیرد. البته اشکال بعدی ما نداشتن سندیکا است...

"بنظر من کارگر به ارزش و رسالت تاریخی خود پی نبرده است. کارگر باید بداند که در جامعه هر چیز که وجود دارد از کار کارگر است. از یک سوزن گرفته تا همان آپلوشی که به ما ماه می رود. همه اینها بدست کارگر ساخته شده. کارگر باید بداند که اصلاً این زبانی که ما تکلم می کنیم، کار بوجود آورده اگر کار نبود زبان وجود نداشت. اصلاً فرهنگ وجود نداشت اصلاً هیچ چیزی وجود نداشت. رفیق تو باید بدانی این تویی که دنیا را با کار خودت ساخته ای. این ارتجاع است که تو را ضعیف میداند. تو باید خودت را بشناسی. به اهمیت کار خودت پی ببری. چرا میگذاری به تو زور بگویند؟ هر کسی را بعنوان نماینده، تو جا بزندی. ما کارگران موقعی می توانیم سندیکا تشکیل بدهیم که بدانیم اصلاً دنیا مال کارگر است. کارگرهای همه دنیا هموطن هستند. یک کارگر خوشکار ایرانی درد یک کارگر بلغار را می داند. وقتی درباره چشمش حرف می زند، کارگر ایرانی میفهمد که آن رفیق کارگر چی کشیده، چون چشم خودش را برق زده. ما باید بدانیم که همه چیز از کار کارگرهای همه دنیا است. مثلاً دیدید که وقتی کارگرهای نفت ده روز شیر نفت را بستند چطور پدر سرمایه دارها درآمد، چطور مجبور شدند جیره خواران خود را فراری بدهند..."

تجدید شماره آینده

ادبیات کارگری

طبقه حاکم میکوشد با استفاده از فرهنگ و ادبیات فکر مقاومت و مبارزه را از سرتوده ها برون کند.

اگر ما خوب دقت کنیم می بینیم که فرق بین یک کارگر و یک سرمایه دار فقط در این نیست که کارگر کار می کند و سرمایه دار کار نمی کند یا مثلا "زندگی کارگر همراه با سختی و محرومیت و فقر است در حالیکه سرمایه دار پولش از پارو بالا می رود. نه، تفاوت بین کارگر و سرمایه دار یا اصولا "تفاوت بین یک آدم زحمتکش با یک آدم مفتخور میلیونر خیلی بیشتر از اینهاست. ما میدانیم که هر طبقه و هر گروهی از مردم، بسته به اینکه در کجا و با چه شرایطی کار کنند و از چه طریقی احتیاجات زندگی خودشان را تأمین کنند. افکار و عقاید و اخلاق بخصوصی پیدا می کنند. حتی سلیقه های آنها هم فرق میکند. مثلا " یک سرمایه دار هیچوقت با کارگران معاشرت نمی کند مگر اینکه نفعی در آن ببیند. دوستان و همکاران او، تفریحات و سرگرمیهای او، افکار سیاسی او و حتی شکل برخورد او با مذهب و اخلاق، خلاصه همه چیز او، با کارگران فرق می کند. در نتیجه خیلی طبیعی است که ادبیات و هنر و اصولا فرهنگ او هم فرق داشته باشد. در هر جامعه طبقاتی دو فرهنگ وجود دارد. فرهنگ طبقه حاکم و فرهنگ مردمی یا فرهنگ طبقه زیر سلطه. فرهنگ مسلط یعنی فرهنگ طبقه مسلط. فرهنگ طبقه حاکم، فرهنگ کسانی که بر خر مراد سوارند و مردم زحمتکش را استثمار می کنند. طبقه حاکم، همانطور که از دولت و ارتش و قوانین و دادگستری و غیره به نفع خودش استفاده می کند، سعی میکند که از فرهنگ و ادبیات و هنر هم به نفع خودش استفاده کند و به کمک آنها مردم را بیشتر به بند بکشد و فکر مقاومت و مبارزه را از سرشان بیرون کند یا آنها را دعوت به تسلیم و اطاعت کند. مثلا " مرتب از راههای مختلف به مردم گفته میشود که انسانها با هم برابر نیستند و لازم است که بین آنها تفاوتی از نظر شکل زندگی و ثروت وجود داشته باشد. ضرب المثل های زیادی بین مردم رایج است که حتی کارگران و زحمتکش هم آنها را بصورت امور مسلم و بدیهی تلقی می کنند. بدون اینکه بدانند این ضرب المثل ها از کجا پیدا شده و به نفع چه کسی است. مثلا " میگویند: "هر که باش بیش برفش بیشتر" و این موضوع بنظر همه درست می آید. ولی باید پرسید چرا باید یک نفر باش بیشتر

باشد که برفش هم بیشتر بشود؟ یا میگویند: "پنج انگشت با هم برابر نیست" در جواب باید گفت: درست است که بعضی از انگشتها قدشان بلندتر است، اما آیا موقع کار کردن همه با هم کار نمی کنند؟ آیا یک انگشت بقیه انگشتها را استثمار می کند؟ طبقه مسلط در کشور ما تا چندی پیش طبقه سرمایه داری وابسته به کشورهای خارجی و امپریالیستی بود که هنوز هم بقایای آنها وجود دارند. این سرمایه دارها هیچوقت صنایع واقعی و ملی را در ایران بوجود نمی آورند و فقط اجناس خارجی را به ایران وارد می کنند تا پول بیشتر به جیب خارجی ها بریزند. فرهنگ این طبقه هم یک فرهنگ خارجی است که اصلا " با خصوصیات و اعتقادات و اخلاق مردم کشور ما بیگانه است. اگر شما بیاد بیاورید که تا چند وقت پیش در رادیو و تلویزیون، در سینماها و تئاترها و جشن هنرها و جشنواره ها، در مجلاتی مثل جوانان و زن روز و غیره، چه چیزهایی را به اسم ادبیات و هنر به مردم عرضه میکردند می بینید که یا درس هرزگی و عیاشی و بیقیدی میدادند یا قدرت و ارتش خودشان را و نظام ۲۵۰۰ ساله را به رخ مردم می کشیدند که کسی جرأت نکند حرف بزند و یا بر علیه همه افکار مترقی و نیروهای مترقی سمپاشی میکردند و تهمت میزدند تا آنها را بدنام کنند. خلاصه از همه این چیزها فقط برای این استفاده میکردند که خودشان بهتر بر گرده مردم سوار شوند و بهتر مردم را بچاپند و ثروت مملکت را به خارجی ها بدهند. ولی مردم هم خیلی راحت به این زور و فشار تسلیم نشدند و افکار و اعتقادات و خصوصیات خودشان را کاملا از دست ندادند. مردم هم برای خودشان فرهنگ، هنر و ادبیاتی داشتند که دردها و مسائل خودشان را در آن مطرح میکردند. اما فرهنگ مسلط اصلا " نمیگذاشت که توده مردم از آن باخبر شوند و در جریان آن قرار بگیرند. فرهنگ مردمی هیچ امکانی برای چاپ و پخش و عرضه نداشت و کسانی هم که میخواستند به مردم خدمت کنند و ادبیات مردمی و ملی بوجود بیاورند گرفتار ساواک میشدند و سرنوشت آنها زندان و شکنجه و اعدام و اینطور چیزها بود. مثلا " میدانید که از همان مشروطیت به بعد، میرزاده عشقی را گشتند،

خبرها و گزارشهای روستایی

زمینهای از دست رفته خود را

دهقانان

پس میگیریم.

دهقانان زحمتکش ایران که از سالبان دور تحت ستم خاندان ننگین پهلوی و عوامل مزدور آنها در روستاها بوده اند در کنار برادران کارگر و زحمتکش دیگر سهم خود را در پیروزی انقلاب ادا کردند. خواهران و برادران روستایی ما داس های خود را آماده کرده اند تا سهم خویش را از حرمین انقلاب، با توش و توان هر چه بیشتر بدست آورند. در طول سالهای گذشته رژیم فاسد با برنامه ریزی حساب شده بیگانگان، کشتزارها را به بیابانهای بی آب و علف تبدیل کرد و روستاها را به ویرانی کشید. احسرای برنامه خانمان برانداز اصلاحات ارضی، برنامه باصلاح ملی کردن جنگلها و مراتع، باز کردن پای عمال رژیم به روستاها و ایجاد و تقویت انواع سازمانهای پلیسی و ژاندارمری و دولتی در دهات، تاسیس شرکتهای سهامی زراعی و بدنبال آن به بردگی کشاندن دهقانان، ایجاد شرکت های کشت و صنعت در بهترین زمین های مزروعی (زمین های پشت سد ها)، واگذاری هکتارها زمین مزروعی و باغات به وابستگان دربار و اربابان سابق و سرمایه داران و زمینداران و همه در جهت سرکوب دهقانان زحمتکش و ناپودی کشاورزی ایران بود. اما، امواج سهمگین انقلاب ناگهان به خروش آمد و همه چیز را دگرگون کرد. دهقانان سرکوب شده و دور رانده از سرزمین شان مردانه به پا خاستند و سنگرهای ظلم و فساد را درهم کوبیدند. امروز، از گوشه و کنار روستاها خبر می رسد که دهقانان زمین های خود را باز پس گرفته اند، باغات و زمین های را که بوسیله عوامل مزدور رژیم گذشته اشغال شده بود بنفع خود مصادره کرده و تمامی سازمانهای فشار و چپاول و اختناق را منلاشی نموده اند. تلاش

انقلابی خواهران و برادران روستایی ما در جهت تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب همچنان ادامه دارد. با این امید که پیوند انقلابی کارگر - برزرگر هر روز مستحکم تر و هم بسته تر شود. روستائیان لر، زمین های خود را باز پس گرفتند دهقانان انقلابی دو روستای لرستان که زمین های شان بوسیله شرکت سهامی زراعی شیروان تصاحب شده بود اجتماعی تشکیل دادند و بدنبال آن زمین های تصرف شده خود را باز پس گرفتند و میان خود تقسیم کردند. دهقانان مبارز انبار و تأسیسات شرکت را که از حاصل دسترنج آنها بوجود آمده بود مهر و موم کردند تا پس از بررسی و صورت برداری میان خود تقسیم کنند. پیشنهاد تشکیل شوراهای روستایی در گنبد کاووس بیش از ۱۵ هزار نفر از روستائیان گنبد کاووس همراه با کارگران، فرهنگیان، دانش آموزان و سایر مردم زحمتکش این شهر در اجتماعی که هفته پیش تشکیل دادند خواستهای انقلابی خود را اعلام کردند. آنها برای اجرای این خواستها دست به اقدامات عملی زدند. این خواستها عبارتست از: باز پس گرفتن زمین های غصب شده - ایجاد اصلاحات ارضی واقعی و دمکراتیک - جلوگیری از ورود محصولات کشاورزی خارجی جهت حمایت از کشاورزی بومی - تشکیل شوراهای روستایی و صیادی - حمایت از صیادان و قالی بافان زحمتکش منطقه و مصادره زمین ها و اموال عمال رژیم سابق در گنبد.

بخشی از خواسته های روستائیان شمال ایران

- ۱ - لغو کلیه دیون کشاورزان به بانکها و دادن وام های کشاورزی بدون بهره با اقساط طویل المدت جهت تولید هر چه بیشتر محصولات کشاورزی.
- ۲ - سپردن امور روستا به روستائیان از طریق شوراهای سندیکاهای کشاورزی.
- ۳ - تضمین خرید محصولات کشاورزی از کشاورزان با باز پرداخت ضرر ناشی از تولیدات کشاورزی.
- ۴ - در اختیار گذاشتن وسائل و ماشین آلات کشاورزی با توجه به قیمت تمام شده آن و ایجاد تعمیرگاه در محل.
- ۵ - در اختیار گذاشتن زمین های مزروعی کافی در دسترس کشاورزان بنحوی که فقط کشاورزی که روی زمین کار می کنند صاحب آن شناخته شوند.
- ۶ - ایجاد فروشگاه های تعاونی کشاورزی که مایحتاج آنها را با توجه به قیمت تمام شده در اختیار آنان قرار دهد.
- ۷ - رساندن برق به روستا و ایجاد راههای ارتباطی شهر و روستا، ایجاد صندوق پستی روستا، تأمین آب آشامیدنی سالم در روستاها، ایجاد درمانگاه در روستا و تأمین خدمات کامل بهداشتی.
- ۸ - در اختیار گذاشتن بموقع کودهای شیمیایی با قیمت تمام شده و دفع آفات کشاورزی توسط دولت.
- ۹ - ایجاد کارخانه های فصلی تولیدات صنعتی که کشاورزان بتوانند در فصول بیکاری در آن اشتغال به کار نموده و از بلا تکلیفی و لاقیدی رها کردند

فرخی یزدی را گشتند، محمد مسرود و هزار سال پیش در کنار شاعرانی که فقط کریمپور شیرازی را گشتند، به روز دهقانی برای امیران و پادشاهان قصیده می ساختند و یارانش را گشتند، خسرو گل سرخی و و چالپوسی میگردد و اصلا " کاری به مردم نداشتند، شاعرانی هم بودند که به زبان مردم و از دردهای مردم سخن میگفتند و مثلا " میگفتند:

اما همانطور که مبارزات و مقاومت های دلیرانه مردم ما را که بر علیه زور و استبداد و امپریالیسم و جیره خواران امپریالیسم بودند نتوانستند با وجود آنهمه توپ و تانک و ارتش و ساواک و غیره درهم بشکنند، فرهنگ مردمی را هم نتوانستند از بین ببرند. را به طبقه حاکم نمی فروشدند و از منافع

توده های مردم دفاع می کنند. ما در آینده درباره اینگونه ادبیات مردمی و کارگری اصولا " چه نوع ادبیاتی است و چه تفاوتی با انواع دیگر ادبیات دارد بیشتر صحبت خواهیم کرد و سعی می کنیم در هر شماره نمونه هایی از آثار ادبیات کارگری و نوشته های خود رفقای کارگر را چاپ کنیم. از رفقای عزیز کارگر خواهش می کنیم اگر نظری در این باره دارند یا اگر خودشان شعر و داستانی نوشته اند که فکر می کنند برای چاپ در این نشریه مناسب است آنها را برای ما بفرستند.

بقیه خبرهای کارگری...

گروهی از کارگران:

کمیته‌های امام در بعضی کارخانه‌ها از کارفرما حمایت میکنند

می‌گیریم زیرا دیگر هیچ چیز نداریم بخوریم". در این هنگام چندتن از همدستان کارفرما با یک کامیون افراد مسلح کمیته امام به کارخانه آمدند و با شلیک تیرهای هوایی کارگران و دانشجویانی را که برای حمایت از کارگران به کارخانه آمده بودند پراکنده کردند. مبارزات کارگران نیتون تا چند روز بعد ادامه داشت.

مهلت کارگران ایران زنراتور به مدیرعامل

دهها تن از کارگران اخراجی شرکت ایران زنراتور واحدهای وابسته همراه با گروهی از دانشجویان در هشتم اسفند در محل شرکت اجتماع کردند و خواستهای خود را بیان داشتند. مدیرعامل شرکت که از افراد ضدانقلابی است به مخالفت پرداخت و اظهار داشت شرکت نمی‌تواند افراد اخراجی را بپذیرد. کارگران پس از افشای مدیرعامل او را تحت نظر قرار دادند و تصمیم گرفتند شورای کارگری را جهت اداره شرکت، استخدام کارگران اخراجی و بازپرداخت حقوق عقب مانده با حضور اجباری مدیرعامل انتخاب کنند. ساعت ۸ شب از طرف کمیته امام گروهی مسلح وارد کارخانه شدند و از کارگران خواستند شرکت را ترک کنند. پس از مذاکره برای

جلوگیری از برخورد، کارگران قراربعده خود را به ۱۲ اسفند موکول کردند. کارگران به مدیرعامل مهلت دادند تا خواستهای آنها را برآورده کند، در غیر این صورت کارگران اداره کارخانه را بعهده خواهند گرفت. چون در مهلت تعیین شده به خواستهای کارگران توجه نشد (با دخالت کمیته امام بنفع کارفرما) کارگران از روز سه شنبه ۱۵ اسفند در محل کارخانه متحصن شدند.

* کارگران مبارز کارخانه اتمسفر طی اعلامیه‌ای پیروزیهای بدست آمده را به زحمتکشان تبریک گفته و توضیح داده‌اند که هنوز پیروزی کامل نیست، هنوز سرمایه‌داران و وابستگانشان در کارخانه‌ها فعالند، از احساسات پاک کارگران استفاده کرده به تعصبات خشک دامن می‌زنند. اعلامیه‌ها را که خواستهای واقعی کارگران را مطرح می‌کنند، پاره می‌کنند و به هزار عذر و بهانه از تماس کارگران با روشنفکران انقلابی جلوگیری می‌کنند. اینها باید بدانند که کارگران حرف حق را از هر کسی با هر مرام و مسلکی قبول خواهند کرد و آن افراد و عقایدی را که پشتیبان آنهاست می‌پذیرند.

اعلام همبستگی ساواکی‌های شهر صنعتی اراک با انقلاب! کارگران شهر صنعتی اراک در یک اجتماع کارگری از نفوذ عناصر ضد - انقلابی و وابسته به ساواک ابراز نگرانی کردند. آنها گفتند شرایط فعلی نمی‌تواند هیچ تغییری در زندگی آنها بوجود آورد. در واحد خانه‌سازی صنعتی شهر صنعتی اراک مزدوران ساواک با تظاهر به طرفداری از آیت‌الله خمینی به سرکار خود برگشته‌اند و می‌خواهند در کار سندیگاها و شوراهای کارگری اختلال کنند.

کارگران کارخانه دویارد در روزهای شنبه ۲۸، یکشنبه ۲۹، دوشنبه ۳۰ و سه شنبه ۱ اسفند برای گرفتن حقوق چهارماه خود به اتفاق دانشجویان پیشکام در کارخانه اجتماع کردند. کارگران طی این مدت موفق به انتخاب نمایندگان و تشکیل شورای موقت شدند. کارگران پس از تشکیل شورای موقت و کشمکش فراوان با کارفرما، بالاخره موفق به دریافت چک حقوق خود شدند. در خاتمه کارگران کارخانه خواسته‌های اقتصادی و سیاسی خود را در شورای موقت بصورت قطعنامه‌ای ۱۳ ماده‌ای مطرح ساختند.

روز سیزدهم اسفند گذشته کارگر سابقه‌ای که در کارخانه جنرال صنعتی به اتهام رفت و آمد به دانشگاه تحت بازجویی دو مهندس از کمیته امام قرار گرفت، در دفاع از خود چنین گفته است: "هر وقت آقای طالبانی به دانشگاه نرفت منم نخواهم رفت، ما خون داده‌ایم که آزاد باشیم، من فقط وقتی در کارخانه هستم، وقت مال شمامت بقیه اوقاتم را خودم میدانم چگونه بگذارم. شما با این کارها ما را وادار به قیام میکنید." کارگر دیگری در همین کارخانه به بهانه تحریک کارگران و شورش از کارخانه اخراج شده است.

در کارخانه ما چه میگذرد؟

وضع مالکیت کارخانه شیر پاستوریزه روشن نیست. کارگران و کارمندان کارخانه شیر پاستوریزه در یک اجتماع انقلابی خواستار اخراج عناصر ضد انقلابی و محاکمه عوامل ساواک در حضور کارگران شدند. آنها همچنین خواهان تشکیل شورای موقتی جهت اداره کارخانه، بازگشت کارگران اخراجی و پرداخت حقوق و مزایای عقب افتاده کارگران و

سرلشکر قره‌نی رئیس ستاد کل ارتش خواندن و آنها را با حقوق‌های کلان ملی اسلامی را عنوان می‌کنیم و هرگونه قضاوت و مطالعه‌ای را برای شناخت کامل‌تر او به خواننده واگذار می‌نمایم. سرلشکر محمد ولی قره‌نی رئیس ستاد کل ارتش ملی اسلامی امروز دستور داد ارتش شاهنشاهی، پرداخت حقوق ارتشی‌ها از جنایتکار و مزدور گرفته تا یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد. اگر ارتش را ضعیف کنند استقلال ملی و تمامیت ارضی ایران به خطر می‌افتد. اگر دولت بختیار سرور قبل از انحلال ارتش کنار رفته بود، این همه سلاح به دست مردم نمی‌افتاد و ارتش اینگونه از هم نمی‌پاشید. سرلشکر قره‌نی گفت: باز نشستی‌هایی که تاکنون انجام گرفته است برای تنبیه و با تطهیر افراد نبوده است بلکه این یک کار عادی در ارتش است. در گذشته افرادی در ارتش بودند که مرتکب تخلفاتی شده‌اند که آنها مشمول تصفیه شده‌اند. ارتش ما سابقه و قره‌نی‌ها باز کردند. این شعار همه آزادگان و همه در مورد حقوق و مزایا و ترفیع وجود داشته که باید بتدریج از بین برود. ارتش ضد خلقی، نابود باید گردد روزنامه اطلاعات ۵۷/۱۲/۱ آری، جنایات امرای ارتش را تخلف

شکست روبرو شده بود به عنوان یک "مهره غیر قابل استفاده" کنار گذاشته می‌شود تا بار دیگر "تجزیه گردان" بازی تازه‌ای شود. اینکه در بیست سال گذشته نحوه ارتباط سرلشکر قره‌نی با عوامل آمریکائی و سازمان سیا بر چه اساسی بوده فعلاً بر ما پوشیده است. اگر در این زمینه اطلاعات مستند و قابل اعتمادی بدست آید، با ذکر دلیل و تاریخ افشا می‌کنیم. آنچه مسلم است (خواه این ارتباط برقرار باشد یا نباشد) انتصاب وی در چنین موقعیت حساسی از زمان و در چنان مسندی می‌تواند به سود امپریالیسم و وابستگان آن باشد. مروری کوتاه بر گذشته، سیاه این افسر ارتش شاهنشاهی و نقش او در سر و سامان دادن به ارتش متلاشی شده شاهنشاهی در چند هفته اخیر نشان می‌دهد که اقدامات او و همدستانش "حساب شده" و در جهت سرکوب انقلاب خلق قهرمان ایران است. انتصابات، تصمیمات، بیانیه‌ها و سخنرانی‌های او نشان می‌دهد که دقیقاً می‌داند چه می‌کند و ایران را به چه راهی می‌برد. در اینجا قسمتی از سخنان اخیر

سرلشکر قره‌نی در دادگاه از پیشگاه ملوکانه تقاضای عفو می‌کند و تقاضای عفو چند بار هم از داخل زندان تکرار می‌شود تا اینکه پس از مدتی کوتاه (که از قبل تعیین شده بود) از زندان آزاد می‌شود. سرلشکر قره‌نی که در نخستین مأموریت خود با

بقیه از صفحه ۴

سرلشکر قره‌نی

سرتیپ قره‌نی در مدت نسبتاً کوتاهی ترفیع می‌گردد و سه درجه سرلشگری می‌رسد. در آبان ۱۳۳۶ سرلشکر قره‌نی به مقام معاونت کل ستاد ارتش شاهنشاهی می‌رسد. وی در اواخر سال ۳۶ به اتهام شرکت در طرح یک کودتای آمریکائی یادداشت می‌شود. این طرح از جانب گروهی از عوامل سیا عنوان شده بود. سرلشکر قره‌نی عامل اجرای این بوطه به اتهام "سو استفاده از اختیارات" بازداشت می‌شود. خبر دستگیری سرلشکر قره‌نی بوسیله خبرگزاری‌های مهم جهان مخابره می‌شود و همه آنها ارتباط او را با یک کشور خارجی (آمریکا) ناثبت می‌کنند. سرلشکر قره‌نی در اردیبهشت ۱۳۳۷ محاکمه می‌شود و در دادگاه اول به دو سال و در دادگاه دوم (برای خالی نبودن عریضه) به سه سال زندان محکوم می‌شود. این مدت محکومیت برای سرلشگری در نظر گرفته می‌شود که از تمام اسرار ارتش شاهنشاهی

حکومت را نیز در سر داشته است. اما حمایت اربابان خارجی موجب می‌شود که مجازات اعدام به سه سال محکومیت تبدیل شود. لازم به یادآوری است که دادستان دادگاه سرلشکر قره‌نی، سرلشکر حسین آزموده بوده که احکام اعدام صدها تن از امیران میهن پرست را به اتهام داشتن افکار مرفقی با حتی مطالعه چند کتاب صادر کرده بود. پاسخ این سوال که چگونه افسرانی را که اتهامشان قابل مقایسه با اتهام سرلشکر قره‌نی نبوده به اعدام محکوم کرده‌اند ولی سرلشکر قره‌نی کودتاچی را به سه سال زندان، می‌تواند "کلید معمای" کودتا و وابستگی کودتاچی به بهگانه باشد. سرلشکر قره‌نی در دادگاه از پیشگاه ملوکانه تقاضای عفو می‌کند و تقاضای عفو چند بار هم از داخل زندان تکرار می‌شود تا اینکه پس از مدتی کوتاه (که از قبل تعیین شده بود) از زندان آزاد می‌شود. سرلشکر قره‌نی که در نخستین مأموریت خود با

سندیکار با وجود آوریم اما فعالیت خود را به سندیکا محدود نکنیم.

کارگران مبارز نیز بایستی با تقسیم وظایف و هماهنگ کردن این وظایف در جهت رسیدن به خواست‌های خود سازمان میدادند. از آنجایی که کارگران دارای منافع و هدف‌های مشترک هستند برای رسیدن به این منافع مشترک و هدف‌های مشترک، انواع تشکلهای کارگری مثل سندیکا و اتحادیه و غیره را بوجود آوردند. ولی سرمایه‌داران هیچ وقت به آسانی عقب‌نشینی نمی‌کنند در اواخر قرن هیجده سرمایه‌داران انگلستان که پیشرفته‌ترین کشور سرمایه‌داری آن زمان بود با گذراندن قانونی تشکیل هر نوع اتحادیه‌ای را ممنوع کردند. این قانون پس از ۲۵ سال مبارزات بی‌گهر کارگران لغو شد. در ایران نیز از ۷۰ سال پیش نخستین فعالیت‌ها به تشکیل اتحادیه کارگران چاپخانه انجامید و تا امروز تاریخ پر فراز و نشیب مبارزات کارگری پیروزیها و شکست‌های فراوانی را تجربه کرده است. در سالهای اخیر اکثر سندیکاهای تعلیل یا وابسته به دولت شده بود. رژیم ضد کارگری برای منحرف کردن مبارزات کارگران و بی‌آبرو کردن سندیکا امر به ایجاد سندیکاهای فرمایشی داده بود. که بقول رفقای کارتر این سندیکاهای فرمایشی و قلابی "محل تجمع عناصر خودفروش و خاشن به کارگر بود" و وظیفه‌ای بجز "حفظ منافع سرشار کارفرما و تحمیل این منافع بکارگران نداشت".

وظایف سندیکا

اما ببینیم سندیکای واقعی چه خصوصیات دارد و وظایف آن چیست؟ سندیکای واقعی با شرکت اکثریت کارگران فعال و مبارز هر صنف تشکیل میشود. اعضای هیئت‌مدیره و مسئولین آن با انتخاب آزاد همه اعضا سندیکا برگزیده میشود. اما اینکه سندیکا نیروهای پراکنده کارگران هر صنف یا رشته تولیدی را جمع‌آوری کند تنها قسمتی از اهمیت سندیکاست. تشکل کارگران در سندیکاهای با جمع شدن ساده کارگران پراکنده دور هم تمام نمیشود. تشکل علاوه بر جمع شدن عده‌ای به دور هم به معنی تقسیم وظایف و هماهنگ عمل کردن است. همچنانکه کارگران در تجربیات روزمره بخوبی میدانند که از روی هم انباشتن تمام قطعات و اجزا، لازم موتور نمی‌توان

نیرو تولید کرد، بلکه باید این اجزا و قطعات را در نظم و سازمان خاص به هم دیگر مربوط کرد. همانطوری که یک رفیق کارگر با روشن بینی استدلال میکرد. قدرت تخریبی یک تیم فوتبال حاصل جمع قدرت‌های انفرادی و تکنیک تک‌تک آنها نیست. بلکه آنچه مهمتر است آرایش و هماهنگ کردن نیروی افراد این تیم است. چرا که در بی‌سازمانی مهارت‌های فردی نتیجه‌بخش نیست. تقسیم وظایف و هماهنگ کردن بخش‌های مختلف اهمیت ویژه‌ای در کار سندیکا دارد. سندیکا اگرچه یک واحد صنفی است با رهبری هیئت‌مدیره و نظارت هیات بازرسی میتواند نقش راهنما و هماهنگ‌کننده مبارزات صنفی و صنفی-سیاسی کارگران هر صنف یا رشته تولیدی را بعهده بگیرد.

وضعیت و مسائل طبقه کارگر و انتخاب صحیح‌ترین اشکال و شیوه‌های مبارزه در جهت خواست‌های کارگران است. البته همه این کارها باید در چهارچوب برنامه‌ای که در مجمع عمومی به تصویب رسیده عملی گردد. سندیکا تنها وقتی میتواند نقش موثری داشته باشد که دربرگیرنده اکثریت کارگران فعال و مبارز باشد در جهت خواست‌های واقعی کارگران حرکت کند. سندیکا باید پیوندش را با اعضا همواره مستحکم تر سازد و پاسخگوی نیازهای کارگران باشد. کارگران بایستی در انتخاب هیئت‌مدیره و اعضا مسئول سندیکا زیاد دقت کنند. این اشخاص باید از میان عناصر صادق و وفادار به طبقه و صنف خود باشند. در مبارزات کارگران صادقانه شرکت داشته و دارای تجربه مبارزاتی باشند.



محدودیت کار سندیکا

همانطوری که میدانیم مبارزه دسته‌جمعی کارگران از طریق سندیکا و اتحادیه‌ها اساساً بدون محور خواست‌های اقتصادی صورت میگیرد. یعنی اینکه بتوانند نیروی کار خود را با قیمت بالاتر و شرایط بهتری به سرمایه‌داران بفروشند. درحالی که طبقه کارگر برای رهایی قطعی از بهره‌کشی راهی جز بدست گرفتن قدرت سیاسی و الغاء مالکیت خصوصی بروسایل تولید و محور نظام سرمایه‌داری ندارد. لازم رسیدن به این هدف غائی تلفیق تجربیات جنبش کارگری با اندیشه علمی است. مجهز شدن کارگران به دستاوردهای اندیشه علمی فقط از طریق مطالعه و پیوند با عناصر انقلابی که

بزرگداشت کارگران شهید صنعت چاپ

بعد از ظهر پنجشنبه سوم اسفند کارگران صنعت چاپ به مناسبت شهادت رفیق کارگر "اکبر یارسی کیا" که در جریان مبارزه مسلحانه ۲۲ بهمن به شهادت رسید مجلس یادبودی در محل خانه کارگر واقع در خیابان اموریان برگزار کردند. در این جلسه از خاطره جاودانه رفقای شهید صنعت چاپ یاد شد. از جمله: تیمورالوردی (کارگر چاپخانه اطلاعات)، اکبر مشهدی (کارگر چاپخانه کیهان)، مسلم نجف‌آبادی (فراهانی کارگر چاپخانه صنعت روز)، حمید علیزاده (کارگر چاپخانه جم)، اسماعیل کریمی (کارگر چاپخانه آبان)، عباس منتظری (کارگر چاپخانه زند).

همسر رفیق شهید اکبر یارسی کیا بهامی خطاب به کارگران و ملت مبارز ایران قرائت کرد و در پایان شعر زیر را خواند:

از او که تک فروغی بود،

به خورشید انقلاب بنگریم

از او که فطره‌ای بود،

به افسانوس خلق بهاندیشم

و از او که پای خسته‌ای بود،

به کام‌های استوار طبقه کارگر ایماں آوریم

گرامی داشت خاطره شهیدای

صنعت چاپ با دروهای آتشین رفقای

شرکت‌کننده پایان یافت.

جاودانه باد یاد شهدای به خون خفته

راه آزادی

برقرار باد پرچم خونین انقلاب سرخ

برای رهایی کارگران و نابودی استثمار مبارزه میکنند، میسراست. مبارزه طبقه کارگر بخودی خود درحد مبارزه اقتصادی و سندیکائی باقی می‌ماند. با بردن آگاهی سیاسی و طبقاتی بدرون طبقه کارگر باید این مبارزه را تا سطح مبارزه سیاسی ارتقا داد اما طبقه کارگر برای شرکت در مبارزه سیاسی و رسیدن به خواست نهایی و نابودی استثمار باید برای فراهم کردن شرایط بهتر برای کار و زندگی‌اش، در سندیکا و اتحادیه که دربرگیرنده تمامی کارگران با هر نوع فکر و عقیده می‌باشد فعالیت کند و از این مکتب درسهای تشکیلاتی و سازماندهی مبارزاتش را بیاموزد تا در مبارزه سیاسی و طبقاتی خود از آن بهره‌بردار کند. دوستان کارگر، ضعف فعالیت‌های صنفی و سیاسی که ناشی از سلطه دیکتاتوری وابسته به امپریالیسم در میهنمان بود باعث کم‌تجربگی طبقه کارگر در مبارزه‌اش شد. اما طبقه کارگر با شرکت موثرش در انقلاب تشکل و دانش مبارزاتی‌اش را تاحد زیادی گسترش داد.

با وجود این مسایل مبرم وزیادی در برابر جنبش کارگری قرار دارد. ما مطمئنم با گسترش تشکل، آگاهی طبقاتی کارگران و روز بروز مستحکم‌تر شدن پیوند بین کارگران و نیروهای انقلابی شاهد پیروزیهای روزافزون طبقه کارگر میهنمان خواهیم بود. هرچه سخت‌تر بکوشیم و در تلاشمان برای رسیدن بخواست‌های حق طلبانه مان از پا نشینیم.

پیش بسوی تشکل طبقه کارگر هرچه فشرده‌تر باد صفوف متحد همه زحمتکشان انقلابی

تک‌کار:

"کار شرط اساسی اولیه برای تمام موجودیت بشر است و این تا آن حد صادق است که باید بگوئیم به یک معنی کار خود انسان را آفرید. بعبارت دیگر کار، وجه تمایز بین انسان و حیوان را فراهم آورد. درحقیقت تفاوت انسان و حیوان در این است که:

حیوان صرفاً "محیط را مورد استفاده قرار میدهد و تغییراتی که در آن بوجود می‌آورد فقط در اثر حضور اوست. اما انسان توسط تغییراتی که در محیط میدهد آنرا بخدمت اهداف خود درمی‌آورد. انسان‌ها توسط توأم کردن عملکرد دستها، ارگانهای سخن و مغز، نه تنها بصورت انفرادی بلکه همچنین در جامعه قادر شدند که عملیات پیچیده‌تری را انجام دهند و بر هدف‌های عالی‌تری دست یابند." انگلس

مستحکم باد پیوند کارگران با چریکهای فدائی خلق